

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی
پژوهشگاه علوم انسانی

تقدیر ادبی

- گفتاری درباره رودکی از دکتر زرین کوب
- ز مادر همه مرگ را... / شاهرخ مسکوب
- از خواننده‌ها درباره پروست / جلال ستاری

گفتاری از زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب

استخراج شده از نواری که در تاریخ ۱۸
ژوئیه ۱۹۹۸ (تیرماه ۱۳۷۷) در لندن از
استاد زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب
ضبط شده است.

۵۵

... همین الآن از لس آنجلس یکی از خویشان ما تلفن کرد و صحبت کرد که دارد کمک می کند به یک دانشجویی که می خواهد در باب رودکی کاری بکند و آثار و اشعار رودکی را ترجمه بکند به انگلیسی.

کسی که با من صحبت کرد - این خویشاوند ما - صحبت از این داشت که اشعار رودکی بسیار سنگین است و نسخه هایی که از آن در دست است غالباً مغلوپ است، ابیات گاهی وقتها از وزن خارج می شود، و لغات گاهی شعر را شکسته می کند.

بنده به آن سؤال کننده لس آنجلس داشتم توضیح می دادم که اشعار رودکی تا کنون به طور انتقادی تدوین نشده و چند چاپ که در ایران و در مسکو و شهر دوشنبه، گاهی تمام متن بدون ترجمه و گاه با ترجمه روسی، چاپ و منتشر شده اصلاً قابل اعتماد نیست. نه فقط به دلیل اینکه ابیات غالباً درست خوانده نشده، بلکه بیشتر به خاطر اینکه اشعاری که اصلاً به طور قطع مال رودکی نیست در این دیوانها آمده است.

صحبت از کار مرحوم سعید نفیسی شد - خدا رحمت کند او را. سعید نفیسی بسیار سالهای طولانی زحمت کشید تا این سه جلد احوال و آثار رودکی را جمع کرد. خیلی خیلی طولانی بود کارش. کاری بسیار صعب بود، و نفیسی هم در آن موقع که این کار انجام شد، تجربه ای را که بعدها در کارهای دیگر اندوخته بود، نتوانسته بود در آن به جا بیاورد.

برای همین بود که در باب جلد اول کتاب او که تاریخ بخارا و سغد و سمرقند و اینها بود، مطالبی از جغرافیایان و یسان عرب اسلامی و دیگران نقل شده بود که گاهی ترجمه ها اشکالهایی

یادم است که مرحوم یثربی اراکی به اصطلاح امروز - یا عراقی - انتقادهای نسبتاً تنیدی هم کرد از نفیسی در ترجمه بعضی از آن مأخذ. شاید کسی دیگر هم بود، واعظزاده هم شاید بود، نمی‌دانم یادم نیست. ولی به هر حال در همان سالها در ارمغان این جلد اول خیلی مورد انتقاد قرار گرفت. جلد دوم که تذکرها و اطلاعات و اینها بود، مرحوم نفیسی هر چه تذکرها نوشته بودند جمع آوری کرده بود. جلد سوم سخنان مستشرقان، از مثلاً سردنيسن راس، براون و دیگران گرفته تا زمانهای حاضر، تا زمانی که خود آن کتاب نوشته شد، دارمستتر و دیگران همین جوری آمده بود، خوب البته جالب بود، ولی مایهٔ زیادی نداشت. خوب البته کار سنگینی بود. برای آنکه مثلاً از پیتسی و از دیگران از همه نقل کرده بود. بعدش هم مرحوم نفیسی سعی کرده بود در تمام مأخذی که نگاه کرده - در تذکرها، در سفینه‌ها، مجموعه‌ها - نگاه کند و هر شعری را که به رودکی منسوب شده است در آنجا بیاورد.

البته اینها همه‌شان مربوط به زمان ما بوده‌اند - این تذکرها و اینها قدیم نبوده‌اند. خوب مثلاً قدیم آن همین کتاب عوفی، لباب الالباب است، که یک چند قطعه‌ای از او نقل کرده است. باز هم درباره آن هم تردید باید کرد، و نباید همین طوری هر چه گفته‌اند تصدیق کرد. به هر صورت، سعید نفیسی بعد از آنکه مجموع اینها را در نسخه‌های خطی جمع کرد و با نهایت دقت این دیوان را فراهم کرده، مقصداری ابیات پراکنده از رودکی آورده، آنجا و آن ابیات پراکنده را از شواهد فرهنگها - مثلاً فرهنگ انجمن آرای ناصری، هر ارزشی می‌خواهد داشته باشد، به هر حال برای شواهد لغاتی که به رودکی مربوط می‌شود، سند نیست. یا برهان جامع یا کتابهایی شبیه به اینها. این فرهنگها همه شواهد دارند. ولی شواهدشان همه با نهایت دقت جمع نشده است.

الآن خدمت استاد مهدوی عرض می‌کردم که از مرحوم دهخدا شنیدم که فرهنگ شعوری تقریباً اینجوری فراهم شده بوده است که اشعار و ابیاتی که لغتهای بسیار غریب و شاد و احياناً مجعول را درش گنجانده بودند، اشخاص می‌آمده‌اند و به مولف ساده دل زحمت‌کش می‌گفته‌اند که این لغت این طور است، و شاهدش را هم درست می‌کرده‌اند، ظاهراً خودشان - این طور که مرحوم دهخدا می‌گفتند - و به رودکی به شهید بلخی و به شعرای خیلی قدیم نسبت می‌دادند. خوب البته سعید نفیسی همه اینها را از تذکرها و لغت‌نامه‌ها استخراج کرده و در آنجا در شواهد لغات آورده است. خوب کاری کرده. اما از مجموع این یک دیوان منقحی که به اصطلاح به شیوه انتقاد علمی انجام شده باشد، چنین دیوانی از او در نمی‌آید.

مجدداً یک کسی این مقدار کاری را که سعید نفیسی کرده به اضافه کارهای دیگری که در مأخذ مشابهش هست، و احتمالاً سعید نفیسی ندیده فراهم کرده است.

همه اینها را خوب باید بررسی بکند. بعد به شیوه علمی اینها را باید تنقیح و تصحیح بکند، به قدر ممکن نسخه‌های قدیم و اقدم را همین طوری مناط قراز بدهد و یک کاری انجام بدهد. و



● در کتابخانه شخصی (خیابان میرزای شیرازی) آذر ۱۳۷۴ - عکس از علی دهباشی

این یک کار سنگینی است. یک مردی و چنین مردانی را می‌خواهد که این جور زحماتی را بتوانند بشکنند.

به مناسبتی اسم مرحوم دکتر معین را استاد مهدوی بردند. واقعاً خوب مثلاً کسی مثل دکتر معین می‌بایستی وقت صرف کند. ببینیم چه می‌تواند از این سر در بیاورد. در حال حاضر من در ایران و اطراف خودمان کسی را نمی‌شناسم که چنین فرصتی داشته باشد و بتواند این کار را انجام دهد. کار سعید نفیسی را اگر کسی مأخذ قرار دهد باید بگوید که ما رودکی را بر مبنای مجموعه‌ای که سعید نفیسی جمع آورده، داریم ترجمه و تدوین می‌کنیم. اگر غیر از این باشد، اعتبار علمی ندارد. امیدوارم یک وقتی هم پیدا بشود. حالا اگر یک کسی جستجو بکند در کتابخانه‌های ترکیه، مصر، و سرزمینهایی که یک وقتی مال عثمانی بوده، شاید در خود سرزمین بخارا و سمرقند و اینها که البته چون در آنجاها بوده‌ام بعید می‌دانم نسخه‌های قدیم وجود داشته باشد. با آن همه اوضاع و احوالی که آنجا پیش آمده، کشتارها، درگیریها، و اینها، اگر هم باز پیدا شود. باز هم یک دور دیگر باید جستجو بشود ببینیم نسخه‌های قدیمی چه هست و کجا هست. بعد هم کسی بنشیند و دیوان رودکی را درست بکند در حدی که ممکن است.

آن وقت یک آدمی اگر خواست ترجمه‌اش بکند به انگلیسی، کار بکند. ولی فعلاً از این (مجموعه‌ها) کار ارزشمندی در نمی‌آید. بنده پر حرفی هم کرده‌ام. به مناسبت اینکه سر ذوق آمدم...